

تحلیل مشارکت شهروندان در فرآیند طراحی شهری

مریم پروانه^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۴/۰۲/۳۱

چکیده

مشارکت شهروندان در فرآیند طراحی شهری به عنوان یکی از ارکان اصلی توسعه پایدار شهری، نقش کلیدی در ارتقای کیفیت فضاهای شهری و تقویت حس تعلق به مکان ایفا می کند. این پژوهش با هدف تحلیل نقش و اهمیت مشارکت شهروندان در فرآیند طراحی شهری انجام شده است. با بررسی ادبیات نظری و مطالعات موردی، این مقاله نشان می دهد که مشارکت فعال شهروندان نه تنها به بهبود کیفیت کالبدی و عملکردی شهر کمک می کند، بلکه با تقویت هویت فرهنگی و اجتماعی، به ایجاد شهرهایی انسان محور و پایدار منجر می شود. نتایج پژوهش حاکی از آن است که فقدان مشارکت مؤثر شهروندان می تواند به کاهش کارایی طرح های شهری و تضعیف حس تعلق به محیط منجر شود. در مقابل، استفاده از روش های مشارکتی نظیر کارگاه های طراحی، نظرسنجی ها و جلسات عمومی می تواند به تصمیم گیری های دقیق تر و مقبولیت بیشتر طرح ها کمک کند.

واژگان کلیدی

مشارکت شهروندان، طراحی شهری، فرهنگ شهری، هویت فرهنگی، توسعه پایدار، فضاهای شهری

۱. کارشناس طراحی شهری، شهرداری منطقه یک رشت.

مقدمه

درختان کهنسال با برگ های سستبر و سترگ و ریشه هایی بلند و عظیم در دل خاک کشیده سایه ای است برای رهگذران ثمره ای برای گرسنگان و تکیه گاهی برای رمیدگان، فرهنگ این گونه است. فرهنگ مجموعه ای از عناصر است که هر کدام دارای کارکردی ویژه اند. ارزش ها باورداشت ها، آداب و رسوم زندگی، ابزارها و فنون مختلف و حتی نوع پوشش و مسکن نیز با تاثیر پذیری از فرهنگ است. که در نگاه بیننده نوعی خاص از هویت را نمایانگر می شود. عناصر فرهنگی در واقع پاسخگوی چستی و کیستی انسان اند. فرهنگ چونان سیمرغی است که در دیروز و امروز پرو بال می زند تا نوعی دیگر از پدیده ها را ترسیم کند. خصوصیت فرهنگ آن است که با فرود جامعه یا هشر در می آمیزد و آن را فرهنگی می کند، هیچ فرهنگی نمی تواند برون جامعه وجود داشته باشد و در مقابل، هیچ جامعه بدون فرهنگ نیز وجود ندارد. برخی از جوامع خصوصیات و عناصر فرهنگی را در خود دارند که برای کل جهان ارزشمند و تعیین کننده است. از جمله این عناصر، شهرهای تاریخی اند که با قدمت گاه چندین هزار ساله و با دستاوردهای فراوان و متنوع، از سنت و فرهنگ مردم تاثیر پذیرفته اند. این شهرهای تاریخی و فرهنگی همانند درختان کهنال به باغبان و پرستاری نیاز دارند تا آنها را حفاظت و تیمار کند و جانی تازه به ریشه های آن ببخشد تا رهگذران یا در واقع همان گردشگران - از آن بهره ببرند.

مبانی نظری

طراحی شهری به عنوان یک فرآیند چندوجهی، نه تنها به جنبه های کالبدی و فضایی شهر توجه دارد، بلکه به عوامل اجتماعی، فرهنگی و انسانی نیز وابسته است. مشارکت شهروندان در این فرآیند، به عنوان یک اصل اساسی در نظریه های مدرن شهرسازی، از جمله رویکردهای انسان محور و توسعه پایدار، مورد تأکید قرار گرفته است. بر اساس نظریه های برنامه ریزی مشارکتی (Arnstein, 1969)، مشارکت شهروندان می تواند در سطوح مختلف، از اطلاع رسانی ساده تا تصمیم گیری مشترک، تعریف شود. این مشارکت به تقویت حس مالکیت و مسئولیت پذیری شهروندان نسبت به محیط زندگی شان کمک می کند. همچنین، نظریه های هویت شهری (Lynch, 1960) نشان می دهند که فضاهای شهری که با مشارکت ساکنان طراحی شده اند، به دلیل انعکاس ارزش ها و نیازهای فرهنگی جامعه، از مقبولیت و پایداری بیشتری برخوردارند. از سوی دیگر، رویکردهای فرهنگ محور (Sandercock, 2003) بر اهمیت در نظر گرفتن تنوع فرهنگی و اجتماعی در طراحی شهری تأکید دارند که این امر از طریق تعامل مستقیم با شهروندان محقق می شود. این مبانی نظری بر ضرورت ایجاد بستری برای مشارکت فعال شهروندان در فرآیند طراحی شهری تأکید دارند تا شهرهایی پاسخگو به نیازهای ساکنان و منطبق با هویت فرهنگی آنها شکل گیرد.

نظریه مشارکت شهروندی (Arnstein, 1969)

یکی از مهم‌ترین چارچوب‌های نظری در زمینه مشارکت شهروندان، مدل «نردبان مشارکت» ارائه شده توسط شری آرنستین (۱۹۶۹) است. این مدل، مشارکت را در هشت سطح از عدم مشارکت تا مشارکت واقعی (citizen control) دسته‌بندی می‌کند. آرنستین معتقد است که مشارکت واقعی تنها زمانی محقق می‌شود که شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها قدرت واقعی داشته باشند، نه صرفاً به‌عنوان ابزارهای مشورتی یا نمایشی. این مدل نشان می‌دهد که مشارکت شهروندان در طراحی شهری می‌تواند از اطلاع‌رسانی ساده (سطح پایین) تا همکاری در برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری مشترک (سطح بالا) متغیر باشد. در طراحی شهری، این مشارکت به تقویت حس مالکیت، افزایش مسئولیت‌پذیری و ایجاد فضاهایی متناسب با نیازهای واقعی جامعه کمک می‌کند. به‌عنوان مثال، جلسات عمومی و کارگاه‌های طراحی مشارکتی می‌توانند به‌عنوان ابزاری برای رسیدن به سطوح بالاتر مشارکت عمل کنند.

نظریه هویت شهری (Lynch, 1960)

کونین لینچ در کتاب «تصویر شهر» (۱۹۶۰) بر اهمیت ادراک شهروندان از محیط شهری تأکید می‌کند. او معتقد است که فضاهای شهری باید به گونه‌ای طراحی شوند که برای ساکنان قابل فهم، معنادار و هویت‌بخش باشند. لینچ پنج عنصر کلیدی (مسیرها، گره‌ها، لبه‌ها، نواحی و نشانه‌ها) را به‌عنوان اجزای تشکیل‌دهنده تصویر ذهنی شهر معرفی می‌کند. در این چارچوب، مشارکت شهروندان در طراحی شهری به خلق فضاهایی کمک می‌کند که با ارزش‌ها، خاطرات و نیازهای فرهنگی جامعه همخوانی داشته باشند. فضاهای شهری که با مشارکت ساکنان طراحی شده‌اند، به دلیل انعکاس هویت محلی و تقویت حس تعلق، از پایداری و مقبولیت بیشتری برخوردارند. برای مثال، حفظ بناهای تاریخی یا طراحی میادین عمومی با در نظر گرفتن نمادهای فرهنگی محلی می‌تواند حس هویت را در میان شهروندان تقویت کند.

رویکرد فرهنگ‌محور در طراحی شهری (Sandercock, 2003)

لیلا سندرکاک در کتاب «کاسموپولیس دوم: شهرهای چندفرهنگی قرن بیست و یکم» (۲۰۰۳) بر اهمیت توجه به تنوع فرهنگی و اجتماعی در طراحی شهری تأکید دارد. او معتقد است که شهرهای مدرن به دلیل تنوع فرهنگی ساکنان، نیازمند رویکردهایی هستند که تفاوت‌های فرهنگی را به‌عنوان فرصتی برای غنای فضاهای شهری در نظر بگیرند. در این راستا، مشارکت شهروندان از گروه‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی، به‌ویژه اقلیت‌ها، می‌تواند به خلق فضاهایی عادلانه و فراگیر منجر شود. سندرکاک بر ایجاد فرآیندهای مشارکتی تأکید می‌کند که در آن صداهای کمتر شنیده شده (مانند زنان، کودکان و گروه‌های حاشیه‌ای) فرصت بیان نیازها و خواسته‌های خود را داشته باشند. این رویکرد در طراحی شهری به ایجاد شهرهایی کمک می‌کند که نه تنها از نظر کالبدی، بلکه از نظر اجتماعی و فرهنگی نیز پایدار باشند.

نظریه توسعه پایدار شهری

توسعه پایدار شهری که در اسناد بین‌المللی مانند دستور کار ۲۱ (۱۹۹۲) و اهداف توسعه پایدار سازمان ملل (۲۰۱۵) مورد تأکید قرار گرفته، بر ضرورت مشارکت شهروندان در فرآیندهای برنامه‌ریزی و طراحی شهری تأکید دارد. پایداری شهری تنها با در نظر گرفتن جنبه‌های زیست‌محیطی محقق نمی‌شود، بلکه نیازمند توجه به ابعاد اجتماعی و فرهنگی است. مشارکت شهروندان در طراحی شهری، از طریق فراهم کردن بستری برای بیان نیازها و اولویت‌های جامعه، به ایجاد شهرهایی کمک می‌کند که از نظر اجتماعی عادلانه، از نظر اقتصادی کارآمد و از نظر زیست‌محیطی پایدار باشند. به عنوان مثال، پروژه‌های بازآفرینی شهری که با مشارکت ساکنان محلی انجام می‌شوند، معمولاً به دلیل انطباق با نیازهای واقعی جامعه، از موفقیت بیشتری برخوردارند.

نظریه عدالت فضایی (Soja, 2010)

ادوارد سوجا در نظریه عدالت فضایی بر اهمیت توزیع عادلانه منابع و فرصت‌ها در فضاهای شهری تأکید می‌کند. او معتقد است که طراحی شهری باید به گونه‌ای باشد که همه گروه‌های اجتماعی، به ویژه گروه‌های محروم، به امکانات و فضاهای شهری دسترسی برابر داشته باشند. مشارکت شهروندان در این فرآیند می‌تواند به شناسایی نابرابری‌های فضایی و ارائه راه‌حل‌هایی برای کاهش آنها کمک کند. برای مثال، در طراحی پارک‌ها یا فضاهای عمومی، مشارکت ساکنان محلی می‌تواند تضمین کند که این فضاها به نیازهای گروه‌های مختلف، از جمله کودکان، سالمندان و افراد دارای معلولیت، پاسخگو باشند.

رویکرد مشارکتی در مدیریت شهری (Healey, 1997)

پتسی هیلی در نظریه برنامه‌ریزی مشارکتی خود بر اهمیت همکاری بین ذی‌نفعان مختلف، از جمله شهروندان، مدیران شهری و طراحان، تأکید دارد. او معتقد است که طراحی شهری موفق نیازمند ایجاد گفت‌وگوهای فراگیر و شفاف بین همه گروه‌های درگیر است. این رویکرد، مشارکت را به عنوان یک فرآیند مداوم و پویا در نظر می‌گیرد که در آن شهروندان نه تنها در مرحله برنامه‌ریزی، بلکه در مراحل اجرا و ارزیابی طرح‌ها نیز نقش دارند. این نوع مشارکت به افزایش شفافیت، کاهش تعارضات و بهبود کیفیت تصمیم‌گیری‌ها کمک می‌کند.

جایگاه شهروند در طراحی شهری

در بسیاری از شهرهای پیشرفته جهان، آنچه در نگاه نخست رخ می‌نماید احساس وجود کنترل و نظارت بر ساخت و ساز در فضاهای شهری است. این امر در زیبایی‌شناسی ظاهری بدنه خیابان‌ها، نما و ارتفاع ساختمان‌ها و حفظ بافت‌های با ارزش شهر تبلور می‌یابد.

محمد رضا پور جعفر با تأکید بر این مطلب، به اهمیت طراحی شهری اشاره می‌کند و آن را ضرورتی اساسی برای شهرها و مکمل برنامه ریزی شهری بر می‌شمارد. موضوع جالب توجه دیگر از نگاه وی اهمیت دادن به انسان در برنامه

ریزی و طراحی شهری در آن شهر است. این چیزی است که در شهرهای ایران تا کنون جایگاه شایسته ای نداشته است. به گفته وی، در بیشتر شهرهای مورد بازدید، اهمیت ماشین کمتر از کشور ما بود، زیرا آنها پی برده اند که در نسبت بین انسان و ماشین در شهرسازی اشتباهی صورت گرفته است. در واقع شهر را برای ماشین طراحی کردن و خیابان ها را به آنها اختصاص دادن، خیلی عاقلانه نبوده است. آنها برای جبران این نقایص در هر جا که ممکن بود فضاهای رفت و آمد به عبور پیادگان اختصاص داده و ورود ماشین را به فضا ممنوع کرده اند.

شهر فرهنگی چگونه شهری است

شهر فرهنگی این است که فرهنگ غالبی در شهر وجود دارد که این فرهنگ بر سایر شهرها و خودش بسیار تاثیر می گذارد از همین رو آن شهر پایتخت فرهنگی به شمار می آید. مثلاً برای آذری زبانان کشورمان پایتخت فرهنگی فرهنگ آذری کشور تبریز است در حالی که ممکن است کالا و خدمات این فرهنگ چندان در خور توجه نباشد اما به هر حال دارای قدرت سیاسی - فرهنگی است. یا در مقایسه دو شهر پاریس و وین می توان وین را پایتخت فرهنگی به شمار آورد با وجود اینکه کالا و خدمات فرهنگی در پاریس بسیار گسترده تر و جالب توجه تر تولید می شود. لیکن وین میراثی که چهره های برجسته و سنت های فرهنگی قدیمی، تاترها، کنسرت ها و نظایر اینها در آن شهر برجای نهاده اند و بطور کلی سابقه فرهنگی آن به عنوان پایتخت فرهنگی تلقی می گردد.

فرهنگ شهری

شهر فرهنگی شهری برشمرده شد که دارای عناصر، فضا، بافت و منابع فرهنگی باشد، اما منظور از فرهنگ شهری چیست؟

ناصر برک پور، فرهنگ شهری را اینگونه تعریف می کند: فرهنگ شهری آداب و رفتار و سکونت در شهر است و از آنجا که فرهنگ پدیده ای است اکتسابی و قابل آموزش به ساکنان است از سوی دیگر با توجه به چهار کارکرد اصلی شهر که عبارتند از سکونت، کار و فعالیت، ارتباط و فراغت می توان فرهنگ شهری را نیز با این کارکردها مرتبط دانست. هنگامی که از فرهنگ شهری مردم شهرها سخن به میان می آید منظور قواعد، هنجارها، سنت ها، ارزش هایی است که با این چهار حوزه سکونت، کار، ارتباطات و فراغت مرتبط اند.

به نظر ناصرالدین غراب این تعریف بیشتر توصیف فرهنگ شهر نشینی است و نه فرهنگ شهری. به نظر وی فرهنگ شهر را می توان از سه وجه تعریف کرد: یکی فرهنگ به معنای شیوه زندگی است که در برگیرنده مجموعه ای از هنجارها، ارزش ها، باورها و نگرش هایی است که نوع زندگی در شهر را امکانپذیر می کند. بنابراین کسی که در شهر زندگی می کند باید از یک سری قواعد و اصول در عمل پیروی کند. برخی از این قواعد ریشه در تاریخ دارند و برخی دیگر زاییده مقتضات زمانه اند. معنای دوم از فرهنگ در شهر خیلی ذهنی تر است به جای توجه به شیوه زندگی به شهر به عنوان مجموعه کالبدی و فیزیکی در فضایی معین و نمادهایی که معنای خاصی را برای شهرنشینان تداعی می کند توجه می

کند. این معنا ممکن است حس تعلق و خاطره انگیزی را برای شهرنشینان تقویت کند و با لایه های ذهنی و روانی آنها ارتباط یابد پس در این تعریف از فرهنگ توجه به وجه نمادین شهر و زندگی در آن مورد تاکید است. معنای سومی از فرهنگ شهری وجود دارد که توجه به منابع فرهنگی از جمله بناهای تاریخی، خرده فرهنگ ها، صنایع دستی، آداب و رسوم، فلکور و منابعی است که زاده زیست بوم شهری اند. بنابراین فرهنگ شهری مفهومی عام و گسترده است که فرهنگ شهرنشینی در دل آن جای می گیرد و با آن برابر نیست. از آنجایی که بخش عمده ای از مشکلات و نابسامانی های موجود در اداره جهان شهر حاصل از عدم توافق یا بی توجهی شهرنشینان فرهنگ شهری نسبت میدهند و بر این باورند که باید فرهنگ شهری را آموزش داد، در حالیکه منظور اصلی آنها آموزش فرهنگ و آداب شهرنشینی است.

بررسی های اجتماعی، تاریخی، فرهنگی

یکی از مشخصه های اصلی طراحی شهری، امروز هدفمند بودن آن است. به این مفهوم که طراحی شهری باید بتواند بین اهداف و نیازهای شهر و طرح شهر که عمدتاً ماهیت کالبدی - فضایی دارند پیوند برقرار نماید. البته در گذشته نیز گاه این امر در مورد اهدافی همچون دفاع و امنیت و یا زیبایی شهر مورد توجه قرار گرفته است. لیکن مسائل و نیازهای عدیده جوامع شهری امروز در همه جا آنچنان طراحی شهری را می بلعد که بتواند تبلور کالبدی - فضایی راه حلها و نیازهای جوامع را در همه سطوح و زمینه ها خصوصاً زمینه های فرهنگی و اجتماعی تحقق بخشیده و فضا و کالبد معنی دار و هدفمندی را برای شهرها پدید آورد.

ظهور انقلاب صنعتی و تحولات بعد از آن خصوصاً تسلط تفکر مدرنیسم بر شهرسازی و طراحی شهری نقش عوامل اجتماعی، فرهنگی و تاریخی را در شکل گیری شهرهای معاصر به شدت کاهش داد که نتیجه بارز آن محو تدریجی خصوصیات ارزشمند فوق و برادر مشکلات عدیده در بافتهای جدید شهری است. شکل و کالبد شهر باید بتواند محیط اجتماعی سالم، فعال، با معنی و متکی بر پیرایشهای فرهنگی گذشته بوجود آورد تا بالاترین هدف شهر را که ایجاد محیطی انسانی و واجد ارزشهای والا است تحقق ببخشد. همانطور که قبلاً گفته شد طراحی شهری ملموس ترین و محسوس ترین نمادی است که یک جامعه می تواند از نظر عملکرد به آن دست یابد به همین جهت لازم است نتایج چنین امر خطیری را با معیارهای فرهنگی ارزیابی نمود. علاوه بر این مسئولیت رسمی طراحی شهری در شهرها که هدایت کننده فعالیتهای بخش خصوصی در شکل دادن به شکل شهر می باشد عمدتاً به عهده بخش دولتی می باشد. دو عامل فوق الذکر ریشه مسائل علمی و فکری طراحی شهری را تشکیل می دهند.

بین ضرر و زیان و نیازهای طراحی شهری به عنوان یک فعالیت فنی و حرفه ای از یک طرف و کوشش های هماهنگ و منسجم جامعه در ساخت شهر و از طرف دیگر تعارض وجود دارد. طراحی شهری از یک طرف باید حداقل امکانات و خدمات شهری را بطور یکسان در اختیار کلیه شهروندان قرار دهد و از طرف دیگر تنوع و امکان انتخاب امکانات را

برای گروههای گوناگون جامعه فراهم سازد. هدف اول مستلزم یکنواختی استانداردها و جامعیت دیده بود ولی هدف دوم تنوع استانداردها و بکارگیری تدابیر و راهبردهای جمعی را در طراحی شهری ایجاب می نماید.

طراحی شهری، تجلی و تبلور فرهنگی جامعه

در تصمیم گیری نسبت به اینکه چه نوع طراحی شهری برای فرهنگ خاصی مناسب تر است باید چهار عامل زیر را به دقت مورد بررسی قرار داد:

- ۱- چه نوع طراحی شهری با هدف حفظ و ارتقاء فرهنگ جامعه سازگارتر است.
- ۲- چگونه می توان خواستها و نظریات قشرهای مختلف فرهنگی را وارد فرآیند طراحی شهری نموده و تبلور، آنها را در راه حلهای طراحی تضمین نمود؟
- ۳- عوامل اصلی بوجود آورنده شکل شهر و نقش جنبه های فرهنگی - اجتماعی آن کدامند؟
- ۴- تفاوت بین شکل موجود شهر و ارزشهای فرهنگی مورد نظر چیست؟

چنانچه طراحی شهری بخواهد خود را با ارزشهای فرهنگی جامعه منطبق ساخته و ارزشهای آن را محترم بشمارد باید بتواند بین ساخت کالبدی، الگوی فعالیتها و نیازهای رفتاری و سابقه فرهنگی جامعه پیوند برقرار نماید. در صورت تحقق این امر طراحی شکل شهر تبلور واقعی از فرهنگ جامعه خواهد بود. قشرها و گروههای فرهنگی جامعه باید بتوانند از طریق طراحی شهری ارزشها و آرمانهای خود را جامعه عمل پوشانده و در طرحهای ارائه شده اعم از بازسازی، نو سازی و حفظ آثار ... خواستهای خود را بیابند.

شکل شهری حاصله نتیجه امتزاج تفاوتهای فرهنگی قشرهای گوناگون بوده و راه حلهای طراحی کالبدی قادر است نیازهای رفتاری گروهها و قشرهای متعدد و متنوع را تامین و تضادها و تعارضات گروهی را به حداقل کاهش دهند. این فرآیند نه کاملاً متمرکز است و نه غیر متمرکز بلکه چیزی است بین این دو به این ترتیب که از راه حلهایی انحصاری که ممکن است توسط گروه بانفوذ حامی تحمیل شود جلوگیری شده و بنابراین تبلور نادرست گروههای متضاد به حداقل ممکن تقلیل خواهد یافت. اگر از هر قشر فرهنگی خواسته شود تا نظر خود را در مورد شکل و عملکرد شهر بیان نمایند در اینصورت طراحی شهری خواهد توانست تنوع، برجسته بودن و بی نظیر بودن سیمای شهری و الگوی فعالیتها را به بهترین نحو فراهم سازد. زیرا رفتارهای جمعی، تظاهرات فرهنگی و هویت گروهی را منعکس می سازد. فرضیه اصلی در اینجا اینست که طراحی خیالپردازانه با استفاده از مشترک از فضا، سهم شدن در امکانات و دسترسی متعدد به عملکردهای شهری و تنوع در شیوه های زندگی می تواند برخی از تضادهای بارز بین گروهها را از بین ببرد.

طراحی شهری فعالیت پر هزینه بوده و مستلزم بکارگیری منابع کیمیا و متخصصین حرفه ای ماهر است. این نکته حائز اهمیت است که فعالیتهای طراحی شهری در جهت فعالیتهای مهم و حساس شهری سوق داده شود که بیشترین تاثیر را روی رفتار تکی افراد بافت و شکل شهر را داشته باشند. بعضی از تسهیلات شهری مثل مراکز توزیع مواد غذایی، مراکز

خرده فروشی و بعضی عناصر شکل دهنده مثل بنادر، فرودگاهها و تاسیسات حمل و نقل عمومی می توانند اثر فزاینده ای بر روی تاسیسات و فعالیتهای معینی که دارای ارتباط نزدیک و وابسته داشته باشد. سوق دادن طراحی در جهت عناصر و عوامل فوق می تواند شکل و عملکرد را در کل منطقه شهری به مراتب بهتر و موثر تر از اعمال کنترل بوسیله منطقه بندی و کدگذاری ساختمانها تحت تاثیر قرار دهد.

تجزیه و تحلیل راه حل‌های شکل شهری و مطالعه فرهنگی که شهر در آن شکل می گیرد به ساخت مفاهیمی مانند اندازه، شکل و ساخت شهر که تبلور رفتارهای فرهنگی متفاوتی را در جوامع گوناگون امکان پذیر می سازد کمک می کند: پس می توان این راه حلها را بر حسب میزان قابلیت انعطاف هریک در مقابل نیازها و استفاده های رفتاری گوناگون درجه بندی نمود. یا بر عکس نیازهای رفتاری را می توان بر حسب راه حل‌های طراحی مختلفی که در فرهنگهای مختلف پیدا می کنند تجزیه و تحلیل نمود. دو روش تحلیل فوق را می توان اساس کار طراحی شهری در تامین نیازهای فرهنگی اجتماعی دانست.

مقایسه شهرها از نقطه نظر فرهنگی

با در دست داشتن اطلاعات کافی در مورد شکل و الگوی شهر، نظام فعالیتهای، رفتار و خصوصیات جمعیتی شهر می توان دو فرضیه را به اثبات رسانید.

الف) آیا شکل های شهری متفاوت می تواند برای فرهنگ خالی مناسب باشد؟

ب) آیا شکل شهری خاص قادر است نیازهای فرهنگ های مختلف را برآورده سازد؟

در مورد فرضیه اول با توجه به نیازهای رفتاری خاص که حفظ آن مورد نظر است شکل های مختلفی از محله و شهر که قادر باشد تبلورات رفتاری مربوطه را برانگیخته و تعالی بخشد و از نقطه نظر شکل و استفاده از تکنولوژی و منابع اساسی نیز احتمالاً مقاومت داشته باشد جستجو می شود.

فرضیه دوم ایجاد می کند که مدل ها، استانداردها و اصول طراحی شهر و محله بصورتی انتخاب شود که بتواند حداکثر قابلیت انعطاف را در مقابل نیازهای متعدد و متنوع جامعه و طرق گوناگون استفاده از آن فراهم سازد. لازم است چه در زمینه تعریف و تشخیص کیفیات عمده فرهنگی در رفتارهای کلی جامعه و چه در زمینه فضاهای تطبیق داده شده ساخت شهر که پاسخگوی آن نیازهای اساسی بوده است تحقیقات دامنه داری به عمل آید.

ارزشها در طراحی شهری

تجزیه و تحلیل ارزشهای مردم در چهارچوب فرهنگی مرکز ثقل طراحی شهری به حساب می آید. زیرا طراحی شهری چیزی جز ساماندهی کالبدی در ارتباط با نیازها و ارزشهای فرهنگی نیست.

یک طراحی شهری موفقیت آینده مستلزم ارضا، ارزشهای رفتاری انسانی است. تجزیه و تحلیل ارزشها در طراحی شهری موارد زیر را در بر می گیرد.

«آنچه مردم می بینند» یعنی توانایی درک واقعی محیط اطراف

«آنچه را که مردم می ستایند» که به مفهوم قدرت ستایش، فهم و استفاده از محیط شهری است.

«آنچه را که مردم می توانند استفاده کنند» به معنی وجود و دسترسی واقعی به فضاهای شهری طی فعالیت های روزانه است.

«آنچه را که مردم به خاطر می آورند» که منظور یادآوری تجارب خاطرات خوب گذشته از فضاهای شهری است.

«آنچه را که مردم به خاطر می آورند» که منظور یادآوری تجارب خاطرات خوب گذشته از فضاهای شهری است.

«آنچه را که مردم تداعی می کنند» که مربوط می شود به جنبه های نمادی، فرهنگی، تاریخی و معنی در فضاهای شهری

تجربه زیبایی شناسی

گرچه ارزشهای مربوط به زیباشناسی در بین فرهنگها و جوامع گوناگون متفاوت است تجربه زیبایی شناسی با تمام پیچیدگی خود احتمالاً ترکیبی از موارد زیر را در بر خواهد داشت.

- آگاهی و شناخت از محیط اطراف
- وابستگی فضایی شهری با وقایع و اتفاقات مربوط به آن (ارزشهای تاریخی)
- جمع آوری تجارب گذشته مشاهده کننده و آگاهی از محل (ارزشهای برانگیزنده)
- امکان استفاده از فضا برای منظور و کاربرد خاصی (ارزشهای کاربردی)
- ستایش از تجربه فشرده در استفاده از فضا که همراه با احساس رضایت باشد. (ارزشهای تسمعی)
- لیتون مدلی برای تجزیه و تحلیل زیبایی شناسی ارائه می دهد که عناصر زیر را در بر دارد:
- وضعیت فکری مشاهده کننده نظیر چهارچوب ادراکی فعلی وی، تجارب گذشته، انتظارات آتی و سبک و شیوه زندگی.
- زمینه مشاهده نظیر فعالیتی که در فضا انجام می شود.
- برانگیزندگی محیط و خصوصیات آن.

در حقیقت تجربه زیبایی شناسی نیاز به درک و آگاهی مردم از فضاهای شهری دارد یک چنین آگاهی و شناختی هنگامی به بهترین شکل خود تحقق می یابد که مردم بطور فعالانه در فرآیند تصمیم گیری مربوط به شهر مشارکت نموده و به عبارت دیگر طراحی شهری جنبه مردمی پیدا کند.

جمع بندی و نتیجه گیری

مشارکت شهروندان در فرآیند طراحی شهری نه تنها به عنوان یک ابزار برای بهبود کیفیت فضاهای شهری، بلکه به عنوان یک ضرورت برای تحقق شهرهای پایدار و انسان محور مطرح است. این پژوهش نشان داد که درگیر کردن شهروندان در مراحل مختلف طراحی شهری، از برنامه ریزی تا اجرا، می تواند به تقویت هویت فرهنگی، افزایش حس تعلق به مکان

و بهبود عملکرد فضاهاى شهرى منجر شود. با این حال، موانعی نظیر کمبود آگاهی عمومی، ناکافی بودن زیرساخت‌های مشارکتی و مقاومت‌های نهادی ممکن است این فرآیند را با چالش مواجه کند. برای غلبه بر این موانع، پیشنهاد می‌شود که از روش‌های نوین مشارکتی نظیر پلتفرم‌های دیجیتال، کارگاه‌های تعاملی و جلسات عمومی استفاده شود تا مشارکت شهروندان به صورت فراگیر و مؤثر محقق گردد. در نهایت، طراحی شهری موفق، طراحی‌ای است که ارزش‌ها، نیازها و آرمان‌های جامعه را در کالبد شهر منعکس کند و این امر تنها از طریق مشارکت فعال و آگاهانه شهروندان امکان‌پذیر است.

منابع و مآخذ

- پورجعفر، محمدرضا. (۱۳۸۸). طراحی شهری و جایگاه انسان در شهر. نشریه شهرداری‌ها، شماره ۴۴.
- برک‌پور، ناصر. (۱۳۹۰). فرهنگ شهری و مدیریت شهری. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- غراب، ناصرالدین. (۱۳۹۲). فرهنگ شهرنشینی و هویت شهری. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- Arnstein, S. R. (1969). A ladder of citizen participation. *Journal of the American Institute of Planners*, 35(4), 216-224.
- Lynch, K. (1960). *The image of the city*. Cambridge, MA: MIT Press.
- Sandercock, L. (2003). *Cosmopolis II: Mongrel cities of the 21st century*. London: Continuum.